



امسال، همزمان شدن هفته دفاع مقدس با اربعین حسینی(ع)، استعاره‌ای تقویمی از پیوند معنایی و عملی دو قطعه از تاریخ است. هر چند که میان این دو مقطع از زمان (نهضت امام حسین(ع) و دفاع مقدس) حدود هزار و ۴۰۰ سال فاصله است، اما این بار بخشی دیگر از جغرافیای جهان –جایی که مرزهای ایران و عراق را تشکیل می‌دهد- محل تلفیق این دو مقطع تاریخی شد.

راوی فتح، سید شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی یکی از هنرمندانی بود که در نوشته‌ها و آثار خود به ظهور فرهنگ عاشورا در دوران دفاع مقدس اشاره کرده بود؛ «قافله عشق در سفر تاریخ است و این تفسیری است بر آنچه فرموده‌اند: کل يوم عاشورا و کل ارض کربلا... این سخننای است که پشت شیطان را می‌لراند و یاران حق را به فیضان دائم رحمت و امیدوار می‌سازد.» و در جای دیگر «کار عشق یاران! لاجرم کربلایی است. پس دیگر سخن از منصور و یازید و جنید و فلان و بهمان مگو که عشاق

سَر بریدن و مثله کردن اجساد شهدا، همان کاری است که در عصر عاشورا و در کربلا توسط یزیدیان اتفاق می‌افتاد. امروز هم اگر مدافعان حرم زنده دست تکفیری‌ها بیفتند، همان کاری با آنها صورت می‌گیرد که شمر و حمله با یاران سیدالشهدا(ع) انجام می‌دادند. این حوادث، تلفی همان نبرد حق و باطل هستند که از عاشورا تا امروز امتداد یافته است.»

پیوند ناگسستنی دفاع مقدس با عاشورا
رضا برچی، روزنده جانباز دفاع مقدس که به عنوان عکاس و مستندساز در ۱۷ جنگ دنیا نیز حضور مستقیم داشته نیز تعبیر خود از پیوند دفاع مقدس با عاشورا را این گونه بیان می‌کند: «یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در جنگ به وقوع پیوست این بود که برخلاف آنچه برخی می‌گویند، رزمنده‌های ما برای خاک نمی‌جنگیدند؛ چون همه این اعتقاد را داشتند که جنگیدن برای آنچه توسط دیگران خط‌کشی شده یعنی مرز، آنها را از هدفشان دور می‌کند.

یا معلم ساده، به خاطر درون پاک و دوری از گناه و فساد و ارتباط با محرم و عاشورا وقتی به جبهه می‌رفت، می‌درخشید و همه دنباله‌روی او می‌شدند. همان طور که سربازان قیام امام‌زمان(عج) شبیه این مردانی چون منوسلیان، همت، باکری، همدانی و... خواهند بود.»

وی درباره امتداد فرهنگ عاشورا درجبهه‌های امروز مقاومت نیز می‌گوید: «امروز هم دنباله خط امام حسین(ع) را می‌توان در جبهه مقاومت دید؛ من طی سال‌های اخیر در عراق با افرادی مواجه شدم که با شوق و شفع خاصی می‌گویند که بعد از هزاران سال می‌خواهند کاری کنند که دیگر کسی کوفه را به شهر بی‌وفایی و تنها گذاشتن امام تعبیر نکند. در لبنان هم وقتی با سربازهای حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه صحبت می‌کردیم آزادسازی زمین‌ها از اشغال رژیم صهیونیستی بهانه‌ای بود برای آنها که به اتفاق بزرگ‌تری متصل نشوند. اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در سوریه و بیشتر در عراق و لبنان رخ داد، جبهه مقاومت را هم به محرم سال ۶۱ هجری قمری



و عاشورا گره زد. باز هم قیام امام حسین(ع) الهام‌بخش مردانی شده که با تکیه بر این فرهنگ، ایستادگی می‌کنند. باز هم مثل دوران دفاع مقدس، رزمنده‌ها با سرپندهایی که اسم مقدس معصومین روی آنها نوشته شده و در حالی که یاحسین(ع) می‌گویند به شهادت می‌رسند. باز هم مثل عاشورا و دوران دفاع مقدس، هدف اصلی رزمنده‌های این جنگ، تصرف یا حفاظت از قطعاتی از زمین نیست، بلکه هدف اصلی آنها وصل شدن به ائمه(ع) است؛ هدفشان رسیدن به عدالت و رفع ظلم و اجرای امر به معروف و نهی از منکر است.»

دفاع مقدس الهام گرفته از عاشورا بود

بهروز ساقی، جانباز و شاعر دفاع مقدس به گزارشگر روزنامه کیهان می‌گوید: «دفاع مقدس ما الهام گرفته از عاشورای حسینی و حماسه دفاع مقدس ایران است. به این معنی که در اوضاع نابسامان اول انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، ما با داستان تقریبا خالی در مقابل دشمن تا ندانان مسلح که از طرف دنیای استکبار پشتیبانی می‌شد مقاومت می‌کردیم. آنچه جبهه‌های ما را تقویت می‌کرد و شجاعت و ایستادگی خاص نیست، بلکه همه جهان را در بر می‌گیرد. اما برای این هدف ابتدا

حمایت می‌شد. ما باید جریان‌ها را تحلیل کنیم و جریانی تحلیل کنیم. جریان‌ها همان‌ها هستند فقط رنگ و لعاب آنها تغییر کرده است. آن زمان صدام بود و امروز تکفیری‌ها عامل دست‌غربی‌ها هستند و همان نقش را ایفا می‌کنند.»

این رزمنده دوران دفاع مقدس تصریح می‌کند: «دشمنی جریان‌هایی مثل بعثیون صدامی و داعش، با حمایت یا هدایت استکبار جهانی و دنیای غرب و شیاطین بزرگ یکی از نشانه‌های سلامت و حقانیت خط کلی انقلاب و نظام است که رهبری معظم انقلاب هدایت آن را برعهده‌دارند. دشمن همان دشمن است و ما هم در مسیر کربلا هستیم، فقط زمان و مکان تغییر کرده است.»

پرورش یافتگان واقعی مکتب امام حسین(ع)
عباس طایفه، از رزمندگان جانباز دوران دفاع مقدس است که مدیریت انجمن خادمان شهدای مدافع حرم را بر عهده دارد. وی می‌گوید: «هدف از سینه و زنجیر زدن در این ایام، پاره کردن زنجیر نفس آدمی است. عزاداری انسان وقتی اجر و ثواب بیشتری پیدا می‌کند که بتواند روح خود را از قفس هوای نفس رهایی بخشد. اگر برای امام حسین(ع) اشک می‌ریزم باید بتوانیم اشک یتیمی را هم پاک کنیم که در این صورت

وارثان حسین(ع)

و دفاع از حرم و حریم انسانیت
اما چه چیزی باعث شده تا باز هم شاهد تکرار وقایع صدر اسلام و ظهور جریان‌هایی شبیه خواجه باشیم؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، سراغ یکی از فرماندهان مدافع حرم رفتیم که طی سال‌های اخیر در تقابل با داعشی‌ها، درخشیده است.

سردار محمدعلی حق بین، فرمانده عملیات آزادی نسل و الزهرا از سلطه داعش که یکی از عملیات‌های مهم و تأثیرگذار بود، می‌گوید: «امروز ما دشمنان اسلام برای ضربه زدن به این دین در حال پیاده کردن برنامه‌هایی هستند که در صدر اسلام هم اتفاق افتاده بود. مهم‌ترین برنامه آنها این است که با ایجاد فرقه‌های مختلف، سرزمین‌های اسلامی را دچار بحران و جنگ نمایند. در عاشورا، افرادی سر مبارک امام حسین(ع) را از تن مطهر ایشان جدا کردند که ادعای مسلمانی داشتند و حتی روزگاری در لشکر اسلام می‌جنگیدند. امروز هم کسانی در حال سر بریدن از مسلمانان در عراق و سوریه هستند که شعارهای به ظاهر اسلامی سر می‌دهند. به همین دلیل هم هست که غربی‌ها همواره در تبلیغات و رسانه‌های خود افسردگی را به عنوان مسلمان معرفی می‌کنند که با شعارهای مقدس،

جلوه‌های نهضت حسینی (ع) در دفاع مقدس و جبهه مقاومت

عزاداری ما معنای حقیقی پیدا می‌کند. درست مثل شهید محسن حججی که ابتدا روح خود را از زنجیر رها کرد و سپس توانست به چنین جایگاهی دست یابد.»
وی مدافعان حرم را پرورش یافتگان واقعی مکتب حسین(ع) می‌داند که توانسته‌اند نفس خود را رها کنند تا به چنین موقعیتی دست یابند و می‌افزاید: «مهم‌ترین نشانه از راه مقدس و حسینی مدافعان حرم، آیه چهلیم سوره مبارکه حج است که به کسانی اشاره می‌کند که از دیار خود رانده شدند، تنها به این جرم که از خدای یکتا سخن می‌گفتند. ذکر خدا در مسجد انجام می‌شود. دشمنان دین خدا و ائمه اطهار هم می‌خواهند آثاری از مساجد وجود نداشته باشد که مردم به آنجا بروند و ذکر خدا بگویند. ارتباط این موضوع با حرمین شریفین هم همین است. دشمنان دین خدا نمی‌خواهند مردم در حرمین حضور پیدا کنند. چون با حضور در حرمین، مظلومیت شهدای کربلا و ظلم وستم شمر و یزیدیان می‌افتند و این تفکر انقلابی و عاشورایی فوران می‌کند. هر جا حرم هست، فرهنگ عاشورا هم آنجا هست؛ یاد حسین و یاد یزیدیان هم هست. نتیجه این فرهنگ هم این است که آدم را در مقابل شمر و یزیدیان زمانه هم بیدار می‌کند. مدافعان حرم، این جریان و بیداری ناشی از فرهنگ و تفکر عاشورایی را احیا می‌کنند.»
این جانباز در ادامه بیان می‌کند: «در دیداری که با نماینده حزب‌الله لبنان در تهران داشتیم هم او می‌گفت که حضور رزمنده‌های مقاومت در دفاع از حرم حضرت زینب(س)، حزب‌الله، لبنان را باز احیا کرد و همه را پای کار آورد.

جنایت می‌کنند. دشمنان اسلام از این طریق، ضمن پیش بردن هدف اولیه خود یعنی جنگ مسلمانان علیه مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی، به تبلیغ علیه اسلام هم می‌پردازند. می‌خواهند به جوانان در دنیای غرب که امروز فوق‌العاده به دین اسلام علاقه‌مند شده‌اند، بگویند که پیروان این دین حتی به خودشان هم رحم نمی‌کنند!»
وی در پاسخ به این پرسش که چرا مدافعان حرم وارثان حسین(ع) در این‌ دوران معرفی می‌شوند هم بیان می‌کند: «مدافعان حرم، هزاران کیلومتر دورتر از کشور به دفاع از حریم دین خود می‌پردازند. ما برای این حرم، چند تعریف قائل هستیم. یک حرم، از نظر نظامی قابل تعریف است. ضرورت جهاد مدافعان حرم از یک‌سو مسائل راهبردی برمی‌گردد، چون دشمنان ما امروز جنگ را در سطح راهبردی هدایت می‌کنند و به همین دلیل هم یکبار ما فراتر از مرزهای کشور خودمان انجام می‌شود؛ هدف اصلی آنها جنگ با ایران است، اما چون نمی‌توانند به اهداف ما برسند فعلا به جنگ در عراق و سوریه متغیر کرده‌اند. از نظر اعتقادی هم در این جهاد ما از حریم ولایت دفاع می‌کنیم. ولایتی که در غروب عاشورا تجلی یافت. در آن موقع تنها چند ساعت از رسیدن حضرت سجاده(ع) به مقام امامت گذشته بود. حضرت زینب(س) هم که بزرگ بازماندگان عاشورا بود، سخن امام را سرلوحه عمل قرار داد که این یک الگوی عملی برای ولایت‌پذیری است. مدافعان حرم هم امروز دقیقا از حرم همان ولایت دفاع می‌کنند. حرم ولایتی که حضرت زینب(س) روز عاشورا از آن پیروی کرد.»

این جانباز دوران دفاع مقدس در پایان اظهار می‌کند: «هویتی از مدافعان حرم سخن می‌گوییم، مقصودمان صرفا این نیست که این گروه فقط از گنبد و بارگاه حرمین شریفین پاسداری می‌کنند، بلکه جهاد مدافعان حرم در اصل برای دفاع از حریم ولایت حضرت زینب (س) است که بارگاه و حرم هم زیر مجموعه آن حریم محسوب می‌شود. مدافعان حرم درک کردند که باید پایگاه اصلی تکفیری‌ها و سایر جنایت‌کارها را ویران کنند و ریشه این فتنه را بسوزانند. در این راه، ما به قله‌های اقتدار نزدیک شده‌ایم؛ اما برای رسیدن به این قله‌ها، باید هزینه‌هایی را هم پرداخت.»

فاطمیون: جلوه بارز عاشورایان
لشکر فاطمیون یکی از گروه‌های پرافتخار جبهه مقاومت است که در جریان دفاع از حرم نیز نقش پررنگی داشته. این گروه، شامل افغانستانی‌های دلباخته اهل بیت علیهم‌السلام هستند که در راه دفاع از حرم و حریم انسانیت، جانبازی می‌کنند. جای تردیدی نیست که اگر عشق به امام حسین(ع) و درک عمیق از نهضت کربلا نبود، این مردان نیز در این راه پرلا جان خود را به خطر نمی‌انداختند.

سیدمسافر، یکی از رزمندگان لشکر فاطمیون است که می‌گوید: «گاه فاطمیون به مقاومت، برداشتی از جهاد ابا عبدالله(ع) است. ما دور از وطن، با فدا کردن جان و تن از آرمان‌های اسلام دفاع می‌کردیم تا مبدا چهره کسی از ظلم خراشیده شود. برای ما، مرز و جغرافیا، حرم اهل‌بیت(ع) است. مردم عاشورایی افغانستان پیش از این‌ها در دوران دفاع مقدس برای دفاع از اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی سرزمین خود را رها کردند و این بار نیز با همان عقیده در سوریه مقابل دشمنان ایستاده‌اند. چون برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیرگذار نیست و هر جا مظلومی هدف ظلم ظالمی قرار می‌گیرد، ما در آنجا حضور یافتیم.»

این بارنامه‌ها زیاد اتفاق می‌افتاد. یکبار هم وقتی بیرون بود، پاسبان‌ها به او گفته بودند: «همین‌جا بایستید تا نیم ساعت دیگر استاندارد آقای ولیان بیاید و عبور کند.» اما رضا مخالفت کرده بود. پاسبان‌ها به باز او را زده بودند! مبارزانش تا زمان دانشگاه ادامه داشت. تا اینکه سال آخر دانشکده‌اش انقلاب شد. مبارزانش تا زمان دانشگاه ادامه داشت. تا اینکه سال آخر دانشکده‌اش انقلاب شد.

خاطره‌ای از شهید حمیدرضا الشریفالحسینی راوی: طاهره شهرباف نوروزی، مادر شهید

یادبود شهید محمدحمید آقارب پست

شهید محمدحمید آقارب پست در سال ۱۳۴۶ در اصفهان دیده به جهان گشود. خانواده‌اش پس از مدتی به شهر تهران عزیمت کردند و محمدحمید تحصیلات راهنمایی و دبیرستان را در تهران گذراند. وی در دوران راهنمایی مشغول درس و تحصیل خود بود که با رزمزهای انقلاب اسلامی آشنا شد. ما مشاهده تظاهرات و راهپیمایی مردم در خیابان‌ها و گفت‌وگوهای خانواده و دوستان و اقوام پیرامون ظلم و ستم شاه و خوبی‌های امام خمینی(ره) باعث شد که جانی تازه در محمد حمید شکل بگیرد. روزها تظاهرات مدرسه را رها می‌کرد و به صف مردم می‌پیوست و از هیچ چیز هم بیم نداشت. گویی عشقی الهی او را به این مسیر کشانده بود. در دوران

راهنمایی در مدرسه فعالیت انقلابی داشت و بعد از تعطیلی مدرسه به تظاهرات می‌رفت و مرتب بر روی دیوارها شعار می‌نوشت. سن او کم بود ولی فکر او بزرگ‌تر از خودش بود. شهید محمد حمید آقارب پست پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیتش را دو چندان کرد و در بسیج و کمیته‌های انقلاب اسلامی حضوری فعال داشت. او پس از اتمام درسی وارد سپه پاسداران انقلاب اسلامی شد و همه وسایل زرمی را فرا گرفت و حتی به جبهه‌های کوچک‌تر از خود نیز آموزش می‌داد. هنگامی که جنگ تحمیلی علیه ایران شروع شد، محمدحمید فرصت را غنیمت شمرد و تصمیم گرفت که در جبهه‌های جنگ تحمیلی حماسه‌ای دیگر بیافریند و این بار در آنجا انجام وظیفه کند. او برای رفتن به جبهه تنها یک مشکل داشت و آن هم رضایت مادرش بود که دلش نمی‌خواست فرزند عزیزش از کنارش جدا شود و به مسلخ عشق برود، اما این بار نیز محمدحمید موفق شد با استناد به سخنان نورانی و گهربار امام خمینی(ره) و عشقی که پدر و مادرش به حضرت امام داشتند، رضایت آنان را جلب کند و به منطقه نبرد اعزام شود.

او همیشه خطاب به پدر و مادرش می‌گفت: «مگر شما نمی‌خواهید به کربلا بروید، خب من می‌روم و راه کربلا را باز می‌کنم و مطمئن باشید در بهشت خانهای به شما خواهند داد».

او فقط و فقط از خدا و امام حسین و باز کردن راه کربلا سخن می‌گفت و اینکه امام خمینی(ره) گفته است که به جبهه برویم و وظیفه هر فرد مسلمانی است که فرمان رهبر و ولی‌فقیه‌اش را اطاعت کند. محمدحمید خیلی کم‌حرف بود و بیشتر فکر می‌کرد و گاهی ساعت‌ها با خودش خلوت داشت و به تفکر می‌پرداخت. خاطرات کمی از زندگی این شهید عزیز و والا مقام باقی مانده است اما وصیت‌نامه وی موجود است که فراوانی از وصیت‌نامه شهید محمد حمید آقارب پست را در ذیل می‌خوانیم: «حمد و سپاس خدای را که آموخت درس زندگی را به ما از طریق قرآن و پیغمبر(ص) و بعد از او ائمه(ع) و فعلا که ولی‌عصر(عج) است و چه خوب استاندان به ما آموختند که در زندگی از چه کسانی کمک بخواهیم و نوکری چه کسانی را بکنیم و اطاعت از چه کسانی بکنیم و چه خوب آیه شریفه «طیعو الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» را به ما یاد دادند و چه خوب ارباب‌هائی داشتیم و داریم، یکیزه و مزنم است آن خدائی که این راه را بر ما آموخت... و آموخت که نوکری چه کسانی را بکنیم و آن بزرگوار بقیقله است و آن همان قطب عالم بشریت است و آخرین ذخیره الهی است و شاید این نوکر ناقابل را در آستان مقدس قبول نماید و این برای من بس است که توانسته باشم نوکری او را انجام داده باشم.

تجالح که به زیارتش موفق نشدم‌ام و از این درد اعماق وجودم شعله‌ای می‌سوزد و متن وجودم را آتش می‌زند ولی مرتب و به کرات حس کردم‌ام که دستنی غیبی مرا از پرتگاه‌ها نجات می‌داده ولی باز من به طرف پرتگاه می‌رفتم‌ام و او آقائی خود را و اربایی خود را کرده و من خوب نوکری برایش نبودم. او من را به سفره خود راه داده ولی من نمک‌شناسی کردم‌ام و حق نوکری را ادا نکردم. وای بر من اگر بمیرم و نوکر مهدی نباشم. نمی‌توانم این حرف را بزنم ولی می‌گویم حاضرم آرزوی دیدنت را بگور بیرم ولی هیچوقت محبت تو و خاندانت از دلم بیرون نرود.

بیا بیا که سوختم ز هجر روی ماه تو
سکسمن با همه دوستان و آشنایان این است که بدانی فقط یک نفر می‌تواند در کره زمین همه گرفتاری‌های شما را برطرف نماید و او وجود مبارک ولی عصر (روحی‌الفلدا) است. همیشه او را شاهد بر اعمالتان بدانید و گرفتاری‌هاات را با او در میان بگذارید. خدا را عمر را در فراموشی تو و در گناهان گذرانیدم و تنها چشم امید به درگاه تو دارم. پیامبر گناهانم را زیرا تو حکم دادی به بندگانت برای پرستش خود و دستور دادی آنها را به دعا به درگاهت و خود ضامن اجابت آن شدی.

خدایا رو به تو دارم به عزت و جلالت دعایم را مستجاب کن. «رَبَّنَا فاغفرلنا ذُنُوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توَفِّقنا مع الآلِ»
به جبهه حق علیه باطل به اختیار می‌روم تا کفر را نابود کنم و پرچم توحید را در جهان به اهتزاز درآورم. این بار از رفتن شوری دگر دارم گویا ندای هل من ناصر ی نصرنی حسینان به گوش می‌رسد که بیاخیزید و خود را در کنار آن حضرت می‌بینم که بسوی پیروزی و شهادت پیش می‌روند. بلی خداوند می‌فرماید: از مومنین مردان راستگویی هستند که به عهد و پیمان خویش که با خدای خود بسته بودند وفا کردند و عده‌ای از آنان در انتظار شهادتند و هیچ عهد و پیمان خود را تغییر ندادند. پدر و مادر مهربانم به‌سوی دیار عاشقان، به دیار کربلای حسینی و گویا امید رسیدن به لقاء محبوب می‌روم. وقت عروج فرا رسیده است اما رضایت شما در این امر بزرگ شرط است و از شما می‌خواهم که از این حقیر درگذرید و اشتباهات گذشته‌ام را به چشم احسان خود عفو کنید و بایم طلب آموزش و مغفرت نمائید تا شاید از عذاب الهی در امان باشم.

مادرم می‌دانم که تو زحمات بسیاری برابم کشیده‌ای و مرا از هر انحرافی در زندگی بازداشتی و دائم تذکر دادی که یاد خدا را فراموش نکنم ولی در مقابل بی‌احترامی‌های بسیاری بر شما کردم و اکنون می‌خواهم به احترام آن مقام بزرگی که خداوند به شما عطا نموده از این خطاها درگذرد.

هر گاه شهید شدم در فقتان فرزند خود بی‌تابی نکنید ولی هرآنقدر دلتان سوخت به درگاه خدا گریه کنید و اشک بریزید و از خداوند پیروزی رزمندگان اسلام و آزادی کربلای حسینی را طلب نمائید و حمد خدای را بجا آورید و صابر باشید که این از نشانه‌های ایمان است.

آخرین توصیه شهید
وای دوستان عزیزم ننشسید که شه‌دا راه کربلا را باز کنند ، حرکت کنید بسوی جبهه‌های حق که از این فیض عظمای الهی بی‌نصیب نباشید که دیگر معلوم نیست چنین سفرهای در تاریخ انقلاب اسلامی بهن شود و به‌راهی برید. و مبدا و به خون شهدا حیات شود و از فرامین امام سرپیچی کنید و در جامعه دست به احتکار و کم‌کاری بزنید و یا صحنه مساجد و نماز جمعه‌ها را قالی بگذارید که حضرت بقیةالله‌اعظم ارواحنا له الفدا از شما راضی نخواهد شد.



یک شهید، یک خاطره

مبارزه

مردم عرفانین